

# نخستین بیانیه ریاست وزرائی سید ضیاءالدین طباطبائی نخست وزیر کودتای ۱۲۹۹ ش

محمد گلبن

بیانیه‌ای که در دست مطالعه دارید، نخستین بیانیه، نخستین، نخست وزیر دولت (۹۰) نود روزه کودتای ۱۲۹۹ ش است.

پس از کودتای مذکور سیدضیاءالدین طباطبائی از طرف احمدشاه قاجار عهده‌دار مقام نخست وزیری شد. در سوم اسفند ۱۲۹۹ ش کودتا انجام شد و سید ضیاء عهده‌دار این مقام شد و بعد از حکم معروف سردار سپه احتمالاً این اولین بیانیه‌ای است که از طرف دولت کودتا منتشر شده است.

بطوریکه در متن بیانیه خواهید دید سید ضیاءالدین در بیانیه خود مسائلی بسیاری را مطرح کرده است. سیدضیاءالدین بسیار جوان بود که در شیراز دست به انتشار روزنامه‌های برق، شرق، رعد زد سید و آن دیگری الاسلام و از آن به بعد به تهران آمد و دست به انتشار روزنامه‌های برق، شرق، رعد زد سید مردی روشن و آگاه بود روزنامه‌هایی را که منتشر کرده جزو بهترین روزنامه‌های جدی است که در ایران منتشر شده. زنده یاد محمد صدر هاشمی در کتاب خود «تاریخ جراید و مجلات ایران» از روزنامه‌های سید به خوبی یاد کرده و به روزنامه برق او اشاره‌ای دارد که:

«روزنامه برق یکی از روزنامه‌های مهم سیاسی ایران است که به قلم سیاستمدار معروف ایران سید ضیاءالدین منتشر شده و دارای مقالات سیاسی مهمی است.

سیدضیاءالدین طباطبائی فرزند سید علی یزدی دوران کودکی و جوانی را در شیراز گذرانده و پس از نشر روزنامه کوچک ندای اسلام و الاسلام، در شیراز به طهران عزیمت نمود و در اینجا مدتی روزنامه‌های

شرق، برق، و رعد، را منتشر ساخت و در حوت ۱۲۹۹ شمسی موفق به کودتا گردید و پس از نود روز حکومت از ایران خارج و مدت بیست سال یعنی تا شهریور ۱۳۲۰ شمسی در خارج مملکت به سر می‌برد پس از مراجعت به ایران در دوره چهاردهم به نمایندگی مردم یزد به مجلس شورای ملی رفت<sup>۱</sup> و تا آخرین دوره سمت نمایندگی داشت در همین ایام احزاب مختلفی در طهران تشکیل داد که مهمتر از همه « حزب وطن» بود. وی در ایران متهم به طرفداری از سیاست انگلستان می‌باشد و از این رو احزاب دست چپ جداً با او مخالفند. سید در دوره ریاست وزرائی قوام‌السلطنه مدتی زندانی و از هرگونه فعالیت سیاسی برکنار بود. فعلاً هم که آزاد شده به صورت ظاهر فعالیتی ندارد.<sup>۲</sup>

آنچه مطالعه فرمودید اشاره کوتاهی بود به زندگانی و فعالیت‌های سیاسی سید ضیاءالدین طباطبائی که در دوران جوانی یکی از روزنامه‌نگاران فعال و ورزیده ایران بود و روی شناختی که عاملان کودتای ۱۲۹۹ ش از او داشتند، مقام نخست‌وزیری کودتا را به دست او سپردند. اما بیش از سه ماه در این مقام نماند و ایران را ترک کرد.

بسیاری از مردم ایران به او اعتقاد داشتند و گروهی نیز او را دست‌نشانده دولت انگلستان می‌دانستند و می‌دانند در هر حالت درباره سیدضیاءالدین طباطبائی مطالب بسیار می‌توان نوشت که در این مقام جای آن نیست. اینک متن بیانیه او را که در هشتم حوت (اسفند) ۱۲۹۹ ش در مطبعه فاروس - طهران به چاپ رسیده، در زیر از نظر می‌گذرانید.





## بیانیه ریاست

### هموطنان:

پس از بازده سال مشروطیتی که قیمت گرانها ترین خون فرزندان ایران خریدم شده، پس از بازده سال انتخابات و تجربیات و تحمل انواع عین و مصائب، پس از بازده سال کشتن با اشکالات غیرقابل تصور داخلی و خارجی وطن ما به روزگاری افکنده شد که نه تنها هیچ يك از سیاست مداران وقت نخواستند بارگراں مسئولیت زمام داری را بعهده گیرند بلکه حتی مبعوثین و وکلاء ملت جرأت نمودند که بوظائف خویش اقدام نمایند و از قبول تحمل این بار استکفاف ورزیدند.

آیا مسیب و مسئول این وضعیت و بی تکلیفی چه اشخاصی بودند؟

کسانی که ملت را بعهده های مشروطیت و آزادی و استقرار قانون و عدالت فریب داده در همان حال این مواعید را حجاب قرار دادند تا در سایه آن زویه هرج و مرج - اساس افتخار شخصی و لجام گسیخته گی - اصول اوله الطوائف قرون وسطی - اصولی که با سیامی و تیره گیهای فلیج بی نهایت احاطه شده بود مستقر سازند.

چند صد نفر اشراف و اعیان که زمام مہام مملکت را بارت در دست گرفته بودند مانند زالو خون ملت را مکیده خنجه ویرا بلند میساختند و حیات سیاسی و اجتماعی وطن ما را بدرجہ فاسد و تباہ نمودند که حتی وطن پرست ترین عناصر - معتقدترین اشخاص به زنده بودن روح ملک و ملت امید خود را از دست داده کشور ما ایران را در میان خاک و خاکستر سرنگون میدیدند.

بزمردگی و انزده گی و بالاخره نزدیک شدن آخرین لحظات اندیشه آور ادامه وضعیات را غیرممکن ساخت موقع فرا رسید که این وضعیات خاتمه یابد.

موقع فرا رسید که عمر حکومت این طبقه سپری گردد.

مسئین فلاکت و پریشانی ایران که باز هم دست نالایق خویش را از عمارت فروریخته ایران نمی کشیدند بحساب دعوت شتوند.

### بالاخره روز واژگون شدن و انتقام فرا رسید . (م)

در این روز تاریخی و هولناک است که اراده نیرومند اعلیحضرت اقدس شاهنشاه زمام امور را در دست من جای میدهد .

مرا روی کار نیاورد.

اکنون قضا و قدر مرا تعیین کرده است که مقدرات و سر نوشت ملت خود را در این موقع بحران و خطرناک در دست گرفته ویرا از آن برنگاهی که حکومت های بی اراده و نالایق پرتاب کرده بودند نجات بخشم .

با احاطه و اطلاع از مشکلات سهمگین وقت من اطاعت امر تاجدار ارجمند و این پیش آمد را وظیفه مقدسه وطن پرستی و انسانیت دوستی گرفته شانه های خویش را حاضر برای قبول این بار می نمایم . من امر خسرو متبوع منظم خویش را اطاعت و این بار را قبول میکنم نه از آن جهت که به لیاقت شخصی خود اعتماد میکنم بلکه اعتماد اول بخدای متعال بخشنده نیرو و دلیری است که خدمتگاران و پاک نستان را هدایت و راه نمائی مینماید .

دوم - به شاهنشاه ایران است که بر تو علاقه وی بر سعادت وطن مانند خورشید دوخشان و قلبش از فرسودگی و ضعف ملت و مملکتش خونین است .

سوم - بر قشون، جناح وفادار وی که دشت و هامون را با خون های خویش در راه وطن کلکون کرده و بالاخره بحس فداکاری هموطنان عزیز است که با چشم های باز کشته را نگریسته و آینده را منصفانه قضاوت و حکمت خواهند نمود .

### هموطنان :

شما بهتر از همه کس واقف و مطلعید از وظائف شخصی که در يك چنین موقع سهمگنی بار مسؤولیت را بدوش میگیرد زیرا شما هستید که حیات و وجود پستان آغشته فلاکت - بدبختی - ناامنی و بی تکلیفی است .

### هموطنان :

لازم است عمارات متزلزل و لرزانی که مفت خواران در آن آشیانه نهاده اند سرنگون گردد.

لازم است اداراتی که تاسیس آنها برای اسراف و تبذیر مال و پولی است که باقدرات عرق توده ملت تحصیل شده - یا بالاتر و بدتر از همه به قیمت شرافت و استقلال ایران از اجانب قرض شده است - از میان برود و بجای آن مبانی عمکی استوار گردد که وظیفه خدمتگذاری به مملکت را از عهده برآید.

موقع فرا رسیده که شرافت و استقلال وطن بشکل پول درجیب این مفت خواران فرو نرود.

باید سعی و کوشش نمود که مملکت باعواند داخلی خود اداره شود و برای گردش دوائر مفت خواری محتاج به قرض از اجانب نگردد .

انجام این امر یعنی عو و اهدام مفت خواری و مبنای امنیت و رفاه و استفاده کارگران از مشقت خویش اولین وظیفه من خواهد بود .

لازم است بنیان عدلیه ما که مرکز فجاج و جنایات است و ازگون و معدوم گشته بر روی خرابه های وی يك عدالتخانه حقیقی که ارکانش مبنی بر عدل و نصفت باشد بنا گردد . زیرا فقط چنین عدالت خانه میتواند شالوده يك حکومت عادل باشد .

لازم است قیمت زحمت و مشقت کارگران و دهقانان - سنجیده گشته و دوره فلاکت و بدبختی آنان خاتمه یابد .

برای حصول این مقصود اولین اقدامی که باید بعمل آید تقسیم خالصجات و اراضی دولتی مابین دهقانان و همین طور وضع قوانینی که زارع را از املاک اربابی بیشتر بهره مند سازد و در معاملات ارباب با دهقان تبدیلی شود و موجبات سحی و زندگانی آنان را تأمین کند .

لازم است وضعیت هرج و مرج کنونی مالی و تشکیلات سوئی که مهم ترین عامل اختلال آن بوده است عو گشته بجای آن تشکیلاتی بر قرار گردد تا مالیاتهایی که از ملت گرفته میشود با رعایت کمال اقتصاد و صرفه جوئی صرف حوائج ملت گردد .

لازم است که اخلاق، قوای روحیه و احساسات ابناء وطن ما بوسیله تعلیمات ملیه و وطن پرستانه نمو و ترقی نماید تا وطن ما موطن فرزندان لایق فداکار گردد .

لازم است مدارسی تأسیس گردد که برای کشور ایران - آری برای ایران که مانند خورشید فروزان و آبادان بود - و اکنون از تمدن و ترقی دور افتاده است تدارک فرزندان لایق و شایسته نماید .

بهر مصلحت شدن از نعمت تعلیم و تربیت نباید از حقوق محضه طبقات متمول - اولادواران و ظالمان بی یافت گردد . بلکه برعکس تمام طبقات مردم و دهقانان باید از نعمت تعلیم و تربیت بهره مند شوند . لازم است تجارت و صناعت به طریقی علمی تشویق گشته حیات تجارتمندی و صنعتی ما از ورطه کنونی که نتیجه ضعف اداری است خلاصی یابد .

لازم است سختی و گرانی زندگانی که بواسطه فقدان وسایل حمل و نقل و شدت احتکاز و درعین حال زینت و تجملات پهلویده غیر قابل تحمل گردیده خاتمه یابد .

لازم است وسائل ترقی را که با استقرار وسائل حمل و نقل و ارتباطات میسر میگردد برقرار نمود .



## ت وزراء

علاوه بر مراتب فوق و توأم با تغییرات متعین مقرر خواهد شد که اقدامات جزئیة برای خاتمه دادن بوضعیات فلاکت آمیز پایتخت و سایر مراکز ایران بعمل آید .  
 برای این مقصود بدیهه معاصرری بانسکیلات وسیع و معنی تأسیس خواهد شد که پایتخت ایران . منقاری شایسته کرسی يك دولت شاهنشاهی را داشته و فلاکتهای بی حد و حصرسکه آن خاتمه یساید .  
 همین اقدام نسبت بسایر بلاد ایران بعمل خواهد آید زیرا نباید عروم از نعمتی بمانند که پایتخت از آن متمتع است .  
 اما برای اینکه تمامه این اقدامات میسر گردد باید قبل از همه چیز و با فوق هر گونه اقدامی مملکت دارای قشونی گردد که دشمنان خارج و داخل را بحساب دعوت نماید .  
 لازم است امنیت در محوطه شاهنشاهی ایران حکمفرما گردد و این فقط در برتو قشون و قوای تأمینیه میسر میشود .  
 فقط سیاهیان دلیر ما قادرند که حیات و هستی مملکت را تأمین نموده ترقی و سعادت و افتخار را فراهم سازند .

قبل از همه چیز و بالاتر از همه چیز قشون .  
 هر چیزی اول برای قشون . و بازم قشون .  
 این است اراده و سرام ما تا زمانی که قشون بدرجات عالی خود تامل کردد .

## اما سیاست خارجی ما :

در اینجا نیز يك تغییر اساسی لازم است .  
 لازم است يك سیاست شرافت مندانه بر مناسبات ما باعالمک خارجه حکومت داشته باشد .  
 در این ایام هیچ مملکتی بدون ارتباط با جامعه ملل نمیتواند زندگانی نماید .  
 بعد از جنگ بین المللی که میانی تشکیلات جدیده دنیا اصول مشارکت و دوستی شده است .  
 اصول مزبور در وطن صالح جویی ما بیش از سایرین تقاط قابل اتخاذاست .  
 ملت ما انسان دوست است . نسبت به جمیع ملل خارجه مهربان و شفیق و صمیمی است .  
 ملت ما وارث حکم و اندرزهای اعصار و قرون متوالیه است .  
 حکمی که حسن مناسبات بین المللی را مقرر میدارد .  
 ولی بدیهی است دوستی ما نباید وسیله استفاده های غیر مشروع اجانب گردد که در جامعه ملل به شرافت و استقلال ایران لطمه وارد آورد .  
 مناسبات ما با هر يك از دول خارجه نباید مانع از حسن مناسبات و دوستی بسایرین گردد .  
 بنام همین دوستی کاهی تولاسیون را که مخالف استقلال يك ملت است التاء خواهیم نمود .  
 و برای موفقیت در این مقصود و اینکه اتباع خارجه از عدالت تام بهره مند بوده حقوق خود را بتوانندحفاً دفاع نمایند ترتیبات و قوانین مخصوصه با محاکم صلاحیت داری وضع و ایجاد خواهد شد تا همه نوع وثیقه داشته باشند .  
 بر طبق اصول فوق الذکر اعلام میدارم که بعضی از امتیازاتی که در گذشته باجانب داده شده است باید اساساً مورد تجدید نظر واقع گردد ما باید به تمام همسایه گان بنظر دوستی تکریمه و با همه آنها مناسبات حسنه هم نجوارانه داشته باشیم و روابط مودت و تجارت را حکم کنیم .

در این تجدید تحلیلات ما بایستی در استفاده از مساعدهای بیحد و بی‌بند و بی‌مصلحت  
 مساعدتهای مزبور بصورت مستشار با سرمایه باشد آزاد باشیم و هیچ‌کس نمی‌تواند قوی و نیرومند  
 باشد باید آزادی ما را عود نماید

**ما آزادیم و آزاد باقی خواهیم بود .**

**بنام همین اصول و به خاطر همین اصول است که من الناء قرار داد  
 ایران و انگلستان مورخه اوت ۱۹۱۹ را اعلام میدارم .**

قرار دادی که موقع انعقاد آن وضعیت دنیا ذکر کون بود و موجباتی که مارا تاکنون  
 با استفاده از آن می نمود دیگر وجود ندارد .

اراده قطعی اصلاحات داخلی و تصمیم به عظمت و نیرو مندی نشون ما را از احتیاج  
 بقرار داد هائی که در نتیجه و ضمیات تغییر یافته دنیا و حوادث بر ما تحصیل گشت مستثنی میسازد  
 جن الناء قرار داد ایران و انگلستان را اعلام میدارم تا تاثیرات سوئی بر سیره ماندگشته  
 باشد زیرا در ظرف صد سال اخیر در سخت و تیره ترین دقایق تاریخ ما انگلستان بدهیات دست  
 دوستانه خود را برای مساعدت نسبت بایران دراز کرد . و از طرف دیگر ایران نیز بدهیات  
 نسبت بانگلستان سداقت و وفا داری خود را ثابت نمود .

با بر این باید گذارد يك چنین دوستی تاریخی بواسطه عقد قرار دادی کدر گردد .  
 الناء قرار داد هر نوع سوء تااممی را که مابین ملت ایران و انگلستان وجود داشته  
 معذوم و شالوده جدیدی را برای مناسبات صمیمانه ما با تمام ممالک طرح ریزی خواهد نمود .  
 تخلیه ایران از قذوق اجانب مهم ترین موشوعی است که اساس مناسبات دوستی ما  
 را با دول هم‌جوار مستحکمتر خواهد نمود .

و انتظار داریم پس از تصدیق قرار داد هائی که نماینده ما با حکومت مسکو منعقد نموده  
 باب روابط و دادیه با روسیه مفتوح و تکرانی توقف نشون اجانب بوسیله تخلیه هر دو طرف بعمل آید .

**هم وطنان .**

بنام شاهنشاه جوان بخت ما که از اعلیحضرت وی جمیع اقتدارات و احکام ساطع است .  
 بنام قشون دلیر و فدا کار وی من شما را بانتظام و سعی و کوشش در نجات وطن دغوت  
 می نمایم .

**من اعتماد بمشارکت شما دارم .**

**من اعتماد بوطن پرستی شما دارم .**

از تمام شماها درخواست میکنم که بوسیله طرح پیشنهاد ها - و تقدیم انکارو مشورتهائی  
 که در نزد من کمال وقع و منزلت را خواهد داشت مرا مساعدت کنید .

اکنون اعلام میدارم که از این به بعد فرصت ملاقات کتر نخواهم داشت لکن هر گونه  
 مسائلی که کتباً ارسال کرده مورد توجه و ملاحظه کامل واقع خواهد شد .

در میان حال اعلام میدارم که هیچ چیز و هیچ ملاحظه‌امرا از مهمی که بر عهده گرفته‌ام  
 بآنخواهد داشت زیرا پس از تفضلات سیحانی و تأییدات اولیای اسلام بتوجهات قاهرانه شهریار جند  
 مستظفر و بیانات پاک منکی هستم .

حق اگر برادرم در نجات مملکت از مصائب کثونی مخالفت ورزد به او رحم نخواهم کرد .

**هم وطنان :**

**شما را بانتظام و کار دعوت می نمایم .**

س . ص . س . الزین طباطبائی - رئیس الوزراء

۸ حوت ۱۲۹۹

پیام بهارستان / ۲۵، ۱، ش ۳ / بهار ۱۳۸۸

**پی نوشتها:**

۱. زنده یاد دکتر محمد مصدق با انتخاب او به نمایندگی مجلس در مجلس شورای ملی به او سخت حمله کرد که برخورد او با سید معروف است و در اینجا نیازی به تکرار نیست.
۲. صدر هاشمی، محمد: تاریخ جراید و مجلات ایران ج دوم تاریخ مقدمه، اردی بهشت ۱۳۲۸ شمسی ص ۱۳ - ۱۴.